Пролетарии всех стран, соединяйтесь!

БУРЯТ-МОНГОЛУН

УНЭН.

Орган ЦИК'а Бурреспублики и Буробкома ВКП (б.).

Газета выходит 2 раза в неделю

№ 14 (301)

ГОД ИЗДАНИЯ VI.

Четверг 28 Февраля 1929 года.

Адрес редакции г. Верхнеудинск Объединенная Газетное Издательство

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

##

بلدیہ کے ٹرانسفارمر کا چوری شدہ تیل نالے میں بہا دیا گیا

ٹیکنیشن نے ٹرانسفارمر کا معائنہ کیا تو اس میں تیل کی مقدار نہایت کم پائی گئی۔ انجینئر نے بتایا کہ ٹرانسفارمر کے اندر موجود تیل کی مقدار ۲۰۰ لیٹر کے قریب ہونی چاہیے تھی۔ ابتدائی طور پر اندازہ لگایا گیا کہ تیل رات کے اوقات میں چوری کیا گیا اور اسے نالے میں بہا دیا گیا تاکہ چوری کا پتا نہ چل سکے۔ ٹرانسفارمر کے قریب کچی مٹی پر تیل کے دھبے واضح طور پر دیکھے گئے جو نالے تک جاتے تھے۔ انجینئر نے کہا کہ یہ عمل کسی ایسے شخص کا معلوم ہوتا ہے جو علاقے کی بجلی کی فراہمی اور ٹرانسفارمر کی جگہ سے واقف ہو۔ ٹرانسفارمر عام طور پر بلند جگہ پر نصب ہوتا ہے تاکہ سیلاب یا نمی سے محفوظ رہے، اور اس کے نیچے تیل کا ذخیرہ رکھا جاتا ہے جو خراب ہونے پر تبدیل کیا جاتا ہے۔ چوری کی اطلاع ملنے پر بلدیہ کے ایک ٹیکنیشن کو موقع پر بھیجا گیا۔ اس نے ٹرانسفارمر کا جائزہ لیا اور بتایا کہ تیل کا بڑا حصہ نکال لیا گیا ہے۔ ٹیکنیشن کے مطابق ٹرانسفارمر کے ساتھ لگے حفاظتی فیوز میں کوئی خرابی نہیں پائی گئی، یعنی چور کو معلوم تھا کہ فیوز کو چھیڑے بغیر کام کیسے کرنا ہے۔ ٹیکنیشن نے کہا کہ ٹرانسفارمر کے ساتھ لگے میٹر سے بھی کچھ تار غائب ہیں۔ اس سے اندازہ ہوتا ہے کہ چور نے صرف تیل نہیں بلکہ کچھ اور سامان بھی اتارا۔ علاقے کے مکینوں نے بتایا کہ رات کے کسی پہر ٹرانسفارمر کے قریب روشنی دیکھی گئی تھی اور کچھ لوگوں کی آواز بھی سنی گئی۔ تاہم کسی نے باقاعدہ مداخلت نہیں کی کیونکہ سمجھا گیا کہ شاید بجلی کا کوئی کام ہو رہا ہو۔ بلدیہ نے تھانہ کینال روڈ میں رپورٹ درج کرا دی ہے۔ ایس ایچ او کے مطابق نامعلوم افراد کے خلاف چوری اور سرکاری املاک کو نقصان پہنچانے کا مقدمہ درج کیا گیا ہے۔ ابتدائی تفتیش میں شبہ ظاہر کیا گیا ہے کہ چور ٹرانسفارمر کے بارے میں جانتے تھے اور رات کے اندھیرے میں آسانی سے تیل نکال کر لے گئے۔ بلدیہ نے اعلان کیا ہے کہ ٹرانسفارمر کی مرمت اور نئے تیل کی بھرائی پر ۴۲ ہزار روپے خرچ ہوں گے۔ انجینئر نے کہا کہ اگر ٹرانسفارمر کو مکمل طور پر خالی کر دیا جاتا تو نقصان کہیں زیادہ ہوتا۔ اس لیے بلدیہ اب رات کے وقت گشت بڑھانے پر غور کر رہی ہے۔ تاہم شہری کا کہنا ہے کہ اصل مسئلہ روشنی کا ہے اور اگر گلی میں بتی جلتی رہے تو چور کو پکڑنا آسان ہو جائے۔

ریلوے پھاٹک پر ہائیڈرلک لفٹ نصب کرنے کا منصوبہ

ریلوے پھاٹک پر ہائیڈرلک لفٹ نصب کرنے کا منصوبہ ۔ ۲۰۰۴ء میں ۱۲ کروڑ روپے کی لاگت سے مکمل ہونا تھا ۔ ۲۰۲۴ء میں لاگت ۴۸ کروڑ روپے ہو گئی ۔ ۳ سال تاخیر ۔ ٹھیکہ منسوخ ۔ نئی بولی ۔ ۲۰۲۵ء میں ۶ کروڑ روپے کا اضافہ ۔ ۲۰۲۶ء میں ۱۸ کروڑ روپے کا اضافہ ۔ ۲۰۲۷ء میں ۲۴ کروڑ روپے کا اضافہ ۔ ۲۰۲۸ء میں ۳۰ کروڑ روپے کا اضافہ ۔ ۲۰۲۹ء میں ۳۶ کروڑ روپے کا اضافہ ۔ ۲۰۳۰ء میں ۴۲ کروڑ روپے کا اضافہ ۔

«صدای جزیره‌نشین»

هفتگی ـ سیاسی ـ اجتماعی ـ فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: کامران بهرامی

سردبیر: دکتر منیژه آرمین

نشانی دفتر: خیابان ناخدا، کوچهٔ سوم، پلاک ۱۴، طبقهٔ دوم، واحد ۶، بندر سیمین

تلفن: ۳۲۱۰۴۵۶ ـ ۳۲۱۰۴۵۷ ـ دورنگار ۳۲۱۰۴۵۸

پست الکترونیکی: sedayejazire@bandarmail.ir

تارنما: www.sedayejazire.ir

بهای تک‌شماره: ۲۵ هزار تومان ـ بهای اشتراک سالانه: ۵۲۰ هزار تومان (داخل کشور)

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟

در سال ۱۳۰۲ هیچ رسانه‌ای در جزیره وجود نداشت. نه روزنامه، نه رادیو، نه حتی تابلوی اعلانات. مردم برای خواندن خبر، یا باید به بندر می‌رفتند یا منتظر می‌ماندند تا کسی از سفر برگردد و خبر را از دهان به دهان بیاورد. «صدای جزیره» در آبان ماه همان سال، با سرمایه‌ی اندک و با چاپ دستی، نخستین شماره‌اش را منتشر کرد. این شماره فقط چهار صفحه داشت و تیراژ آن به زحمت به ۲۰۰ نسخه می‌رسید. اما همین چهار صفحه، برای مردمی که سال‌ها خبر را از زبان دیگران شنیده بودند، تجربه‌ای تازه بود.

سردبیر نخست، آقای هوشنگ دریابیگی، خود حروف را می‌چید و صفحه‌ها را با دست تا می‌کرد. دفتر روزنامه اتاقی بود به اندازه‌ی یک انبار کوچک در کنار بندر، و چاپخانه چیزی جز یک دستگاه چاپ دستی و چند جعبه حروف سرب نبود. با این حال، همین دستگاه توانست در طول سال اول، ۱۲ شماره منتشر کند و گزارش‌هایی درباره‌ی قیمت ماهی، ورود کشتی‌ها، و حتی اختلاف دو خانواده بر سر یک قایق را به مردم برساند. بسیاری از سوادآموزان روستاهای اطراف، کلمه‌ها را هجا به هجا می‌خواندند و شب‌ها در قهوه‌خانه‌ها برای دیگران می‌خواندند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۲

آقای دریابیگی در یادداشتی که در شماره‌ی ۱۴ چاپ شد، نوشت: «ما خبر را نمی‌فروشیم، فقط می‌گذاریم مردم ببینند چه اتفاقی افتاده است.» این جمله تا سال‌ها شعار روزنامه ماند. او حاضر نشد آگهی تبلیغاتی بپذیرد و گفت اگر آگهی بگیرد، دیگر نمی‌تواند بی‌طرف بماند. این تصمیم باعث شد بسیاری از تجار شهر با او قهر کنند و آگهی‌ها به روزنامه‌ی رقیب برسد که سه سال بعد تعطیل شد. «صدای جزیره» اما ماند، چون خواننده‌ها خود پول می‌دادند و روزنامه‌فروش‌ها از در خانه‌ها می‌گذشتند تا شماره‌ی تازه را بگیرند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۳

امروز، صد سال بعد، «صدای جزیره» دیگر کاغذ چاپ نمی‌کند. اما نام همان روزنامه‌ی کوچک، با همان حروف سرب، روی تابلوی دفتر خبرگزاری محلی آویزان است. نوه‌ی آقای دریابیگی، که او هم روزنامه‌نگار است، می‌گوید پدربزرگش می‌گفت مهم‌ترین کار روزنامه‌نگار نه نوشتن است و نه چاپ، بلکه گوش دادن است. و شاید درست همین باشد که «صدای جزیره» تا امروز زنده مانده است.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۴

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۵

امروز، صد سال بعد، «صدای جزیره» دیگر کاغذ چاپ نمی‌کند. اما نام همان روزنامه‌ی کوچک، با همان حروف سرب، روی تابلوی دفتر خبرگزاری محلی آویزان است. نوه‌ی آقای دریابیگی، که او هم روزنامه‌نگار است، می‌گوید پدربزرگش می‌گفت مهم‌ترین کار روزنامه‌نگار نه نوشتن است و نه چاپ، بلکه گوش دادن است. و شاید درست همین باشد که «صدای جزیره» تا امروز زنده مانده است.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۶

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۷

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۸

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۹

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۰

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۱

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۲

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۳

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۴

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۵

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۶

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۷

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۸

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۱۹

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

«صدای جزیره» در سال ۱۳۰۲ چه می‌کرد؟ ـ صفحهٔ ۲۰

در صفحه‌ی آخر شماره‌ی ۲۷، یک آگهی کوچک چاپ شد: «گم شده: قایق نقره‌ای با سکان آبی، نام روی بدنه ناخدا رحیم. هر که خبر دهد، پاداش می‌گیرد.» این آگهی را خود دریابیگی نوشت و هزینه‌ی چاپ را از جیب خودش داد. سه روز بعد، قایق پیدا شد و صاحبش آمد و پاداش را داد. این ماجرا باعث شد مردم بفهمند روزنامه نه فقط برای خواندن خبر، بلکه برای پیدا کردن چیزهای گم‌شده هم به کار می‌آید. از آن پس، آگهی‌ها کم کم به ستون دوم صفحه‌ی آخر راه پیدا کردند.

د ځمکې د ساتنې او ودې د ورځې د مناسبت سره د ګڼې ګوڼې د ۵ مخ

د ځمکې د ساتنې د ورځې د مناسبت سره د ګڼې ګوڼې د ۵ مخ

د ځمکې د ساتن